

حق مالکیت فکری

بخش اول

علی‌ار کریمی فرد

کارشناس ارشد علوم ارتباطات اجتماعی

Karimi_aliyar_ir@yahoo.com

مقدمه

حق مالکیت معنوی (فکری) به مثابه یکی از مصداق‌های حقوق شهروندی، به این علت که زاینده‌ی اندیشه و هنر انسان است در عصر جدید اهمیت بسیاری پیدا کرده است. در دوران کهن، آثاری که یک دانشمند یا هنرمند پدید می‌آورد، در محدوده‌ای بسیار کوچک منتشر می‌شد و پدید آورنده، اغلب منفعت مادی از آن نمی‌برد، با گذشت زمان امکان انتشار اثر در محدوده‌ای وسیع‌تر فراهم شد، به موازات این گسترش، استفاده غیر مجاز و تحریف و تغییر در آثار، فزونی گرفت تا حدی که حتی اثری به‌ناحق به نام دیگری خوانده می‌شد و هیچ مرجع و دادرسی برای رسیدگی به این تخلف نبود.

بر خلاف دوره‌های پیشین که تألیف و تصنیف، بیشتر با انگیزه‌های معنوی و شخصی صورت می‌گرفت و مؤلف و صاحب اندیشه کمتر به بهره‌ی مادی می‌اندیشید، امروزه به دلیل تخصصی شدن کارها و ضرورت تأمین معیشت پدید آورنده‌اثر، این موضوع به صورت یک حرفه و منبع کسب درآمد وی درآمده است که موجب تدوین پاره‌ای قوانین در کشورهای مختلف شده است.

گفتنی است وضع قوانین و مقررات قابل توجه در این باب هرچند لازم است ولی کافی و وافی نیست و هر اندازه که قوانین با استواری و دقت توأم وضع شود، مانع از تقلید و تصویر برداری نمی‌شود.

به بیان دیگر به‌منظور جلوگیری از تصویر برداری از نتایج تلاش‌ها و خلاقیت‌ها و ابتکارهای صاحبان اندیشه علاوه بر قوانین متقن، باید به فرهنگ‌سازی در زمینه‌ی حق مولفان و

مصنفان پرداخته شود.

نگارنده بر این عقیده است که برای پیشگیری از بروز چنین وضعی، آنچه بیش از همه اهمیت دارد، توسعه‌ی این ارزش در اعتلای حقوق شهروندی است. زیرا بسیاری از پدیدآورندگان اثر و صاحبان قلم و هنر خود موضوع این سوء استفاده‌ها هستند در حالی که آگاهی چندانی از حقوق خویش ندارند.

پیشینه‌ی تاریخی مالکیت فکری در جهان

در این که از چه زمانی برای خالق اثر، حق مادی و معنوی شناخته شد؟ مسیر شکل‌گیری و تکامل این پدیده چگونه بوده است؟ یا اینکه آیا در دوره‌ی باستان مؤلف (خالق اثر) دارای حقی بوده یا نه، به روشنی و صراحت دربارهِ آن نمی‌توان اظهارنظر کرد. به این دلیل که: «قواعد حقوق به‌طور معمول نتیجه‌ی تحول‌های اقتصادی، فکری و اجتماعی هستند که در خارج از قلمرو حقوق صورت می‌گیرد. اصولی که حقوق معنوی پدید آورنده را تشکیل می‌دهد قبل از اینکه به صورت حقوق موضوعی درآیند، تحول‌های کم و بیش طولانی و عمیقی را پشت سر گذارده‌اند. زمانی فرا می‌رسد که جامعه اثر ادبی و هنری را نه به معیار عینی بلکه به معیار شخصی می‌سنجد، یعنی اثر را در هر حال مظه‌ری از شخصیت پدیدآورنده می‌شناسد. این زمان نقطه‌ی عطفی در تاریخ حقوق مؤلف است اما این زمان نه یکباره و با یک متن قانونی به وجود نمی‌آید، بلکه، سرانجام تحول اوضاع اجتماعی اقتصادی و فکری یک جامعه است.»

مالکیت فکری از پدیده‌های بسیار کهن جامعه‌های بشری است. در زمان‌های قدیم، جایگاه مالکیت فکری روشن نبوده

بخش بنیادین فعالیت‌های WIPO
در ترویج حمایت از مالکان معنوی،
ایجاد موازین و استانداردهای
بین‌المللی است. هر چند که سنگ
بنای فعالیت‌ها و معاهدات WIPO،
کنوانسیون‌های پاریس و برن هستند،
ولی کنوانسیون‌هایی که بعد از آنها
بوجود آمدند، فعالیت این سازمان
جهانی را گسترده‌تر و عمیق‌تر کرده‌اند
به نحوی که تکنولوژی جدید را نیز
در برمی‌گیرند. این سازمان با
هماهنگ‌سازی و تسهیل مراحل ثبتی،
نقش فزاینده‌ای در ایجاد روش‌های
کاربردی مالکان معنوی در سطح ملی
و منطقه‌ای ایفا می‌کند

صنعت چاپ، جنبش اصلاح مذهب، دوره رنسانس و برقراری نظام‌های پارلمانی به جای حکومت‌های مطلقه سلطنتی، وضعیت ناشی از این تحولات، از جمله تکیه بر اصول استقلال فردی و آرای آزادی‌خواهانه متفکران و اندیشمندان، به طور اساسی و جدی در رشد و توسعه‌ی آفرینش‌های فکری و احیای منزلت رفیع اجتماعی آفرینشگران، نقش بسزایی داشتند. چنان که در اثر این‌گونه پدیده‌ها و پیدایش جنبش‌های عظیم علمی و فرهنگی، رفته رفته اعتبار مالکیت‌های فکری و معنوی ابتدا در کشورهای انگلستان و فرانسه و سپس بلژیک، ایتالیا، سوئیس، آمریکای شمالی، آمریکای لاتین و برخی از کشورهای آسیایی به رسمیت شناخته شد و آنگاه موضوع معامله‌های متقابل و قراردادهای دسته جمعی میان کشورها واقع شد تا جایی که اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر مصوب دهم دسامبر ۱۹۴۸ مجمع عمومی سازمان ملل متحد به صراحت از آن یاد کرد. در خصوص جایگاه حقوق مالکیت فکری در ایران و تناسب آن با مقتضیات زمان بررسی پیشینه‌ی تاریخی مالکیت فکری در کشورهای انگلستان، فرانسه، آمریکا به عنوان کشورهای پیشرو و سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی به‌ویژه WIPO و ایران ضروری است.

نحوه‌ی پیدایش حقوق مالکیت فکری

اولین قانونی که به منظور حمایت از مالکیت فکری وضع شد، قانون ثبت اختراعات فرانسه است که در سال ۱۷۴۴ میلادی انتشار

است و اغلب نیز مورد حمایت حکومت زمان قرار نمی‌گرفت. از زمان اختراع صنعت چاپ، در حدود سال‌های ۱۴۴۰ به‌وسیله‌ی گوتنبرگ و امکان نشر و افزودن به تعداد انبوه و به همان نسبت امکان تجاوز به حقوق پدیدآورندگان فراهم شد و دولت‌ها و جامعه‌های مختلف به ناچار برای دفاع از حقوق پدیدآورندگان، احکام و قوانینی به تصویب رساندند، تا در سایه‌ی آن‌ها، حقوق متعلق به خالق اصلی اثر محفوظ بماند و به این ترتیب ضرورت حمایت از این نوع مالکیت بیشتر احساس شد، زیرا صنعت چاپ امکان تکثیر و نسخه برداری را آسان می‌ساخت.

در همین باره به این واقعیت انکارناپذیر باید اشاره نمود که نخست در همه‌ی جامعه‌ها، استفاده و انتفاع از اثر دیگری، بدون رضایت و اجازه او کاری قبیح و ناشایست تلقی می‌شد. دیگر اینکه، آثار نوشتاری به دلیل تاثیر شگرفی که در افکار عمومی دارند، همواره مورد توجه خاص حکومت‌ها بوده و شدیدترین و خشن‌ترین نوع نظارت و ممیزی نسبت به نویسندگان و متفکران اعمال می‌شده است. در نتیجه‌ی همین حساسیت، به تدریج فرمانروایان، اعطای امتیاز انتشار آثار را در انحصار خود می‌گرفتند و آن را به هر کس که تمایل داشتند، می‌بخشیدند. این امتیاز گاهی به خود مولفان واگذار می‌شد و گاهی در اختیار چاپخانه‌ها، صحافان، ناشران و یا کتاب‌فروشان قرار می‌گرفت. در ضمن در بعضی از کشورها از جمله انگلستان، اعطای این امتیاز، منبع درآمد سرشاری برای شخص پادشاه به شمار می‌آمد. از قرن ۱۶ به بعد پدیده‌های مهمی نظیر: اختراع





مطابق ماده ۲۶ قانون ثبت علائم و اختراعات مصوب سال ۱۳۱۰ هر نوع اکتشاف یا اختراع جدید در حوزه‌های صنعتی و کشاورزی به کاشف یا مخترع آن حق انحصاری می‌دهد و طبق ماده ۲۷ نیز هر کس مدعی ابداع محصول جدید صنعتی باشد یا اینکه وسیله جدیدی را کشف کرده است، می‌تواند تقاضای ثبت اختراع کند

یافت و از همین تاریخ، آفرینش‌های فکری بشر از دیدگاه حقوقی در سطح کالاهای مادی مورد احترام قرار گرفت و در سال ۱۷۷۷ امپراتور فرانسه لویی شانزدهم، تحت فشار افکار عمومی و مقتضیات زمان ناگزیر شد فرمانی صادر کند و برخی امتیازها را برای مولف به رسمیت بشناسد. این فرمان سرآغاز شناسایی رسمی حق مولف در فرانسه است، پس از چندی در ۱۹ ژانویه سال ۱۹۷۱ قانون معروف شاپلیه و در ۱۹ ژوئیه سال ۱۹۷۳ قانون لاکانال به تصویب رسید که یکی مربوط به حق نمایش و دیگری مربوط به حق نشر و تکثیر آثار از نخستین قوانین مالکیت ادبی و هنری فرانسه به‌شمار می‌آیند. آخرین قانون فرانسه درباره‌ی حق مولف با عنوان «قانون راجع به مالکیت ادبی و هنری» مصوب ۱۱ مارس ۱۹۵۷ است که شامل ۸۲ ماده است. قانون دیگری نیز در سال ۱۹۸۵ به تصویب رسید که قانون قبلی را اصلاح و تکمیل کرده است.

در انگلستان نیز به سال ۱۶۲۴ میلادی شکل‌گیری حمایت از مالکیت فکری در قالب حمایت از اطلاعات برقرار شد و با گذشت زمان، حمایت از مالکیت فکری گسترش بیشتری پیدا کرد که هدف جدید آن ایجاد توازن بین حمایت اعطایی حکومت به مخترع و گسترش دامنه اثرات نوآوری در جامعه بود. در ۱۱ ژانویه سال ۱۷۰۹ پیش نویس قانون حق مولف در انگلستان تهیه شد و در ۱۰ آوریل ۱۷۱۰ به عنوان نخستین قانون حقوق مولف یا قانون معروف ملکه آن به تصویب رسید. طبق این قانون، مولف یا مصنف کتاب، در موردی که به چاپ رسیده بود حق انحصاری چاپ به مدت ۲۱ سال و در موردی که به چاپ نرسیده بود برای مدت ۱۴ سال داده شد، این قانون با دخالت مجلس لردها به درستی اجرا نشد و قانون بعدی در سال ۱۸۴۲ به تصویب رسید. طبق بند ۱ ماده ۱۲ قانون سال ۱۹۸۸ انگلستان، مدت حمایت از آثار ادبی، هنری، نمایشی و موسیقایی تمام عمر مولف و ۵۰ سال پس از مرگ اوست.

قانون حق مولف ایالات متحده آمریکا در سال ۱۷۹۰ به تصویب رسید. قانون اساسی آمریکا چارچوب‌های قانونی حق مولف را تعیین می‌کند. کنگره بعدها قانون حق مولف سال ۱۷۹۰

را در سال‌های ۱۸۳۱، ۱۸۷۰، ۱۹۰۹ و ۱۹۷۶ اصلاح و تجدیدنظر کرد که بر اساس آن مدت حمایت ۵۰ سال پس از مرگ مولف پیش‌بینی شده است.

سازمان جهانی مالکان معنوی (wipo)

نیاز به حمایت بین‌المللی مالکان معنوی زمانی آشکار شد که عده‌ای از مبتکران و مخترعان از بیم آنکه ایده شان مورد سرقت قرار بگیرد، از شرکت در نمایشگاه بین‌المللی اختراعات در وین (۱۸۷۳ میلادی) خودداری کردند. برای حل این مشکل اجلاس پاریس در سال ۱۸۸۳ برای حمایت از مالکان صنعتی تشکیل شد. دست آورد این اجلاس، انعقاد اولین معاهده بین‌المللی بود که به موجب آن، افراد یک کشور می‌توانستند از مصونیت تراوش‌های فکری و خلاقیت‌های خود در سایر کشورها در برابر سوءاستفاده احتمالی افراد سودجو مطمئن شوند. معاهده حقوق مالکان صنعتی نکات زیر را دربرداشت:

۱- اختراعات ۲- علائم تجاری ۳- طرح‌های صنعتی
کنوانسیون پاریس در سال ۱۸۸۴ با عضویت ۱۴ کشور تشکیل شد و رسمیت یافت. کشورهای عضو یک دفتر بین‌المللی تأسیس کردند که وظیفه امور اداری از قبیل سازماندهی جلسات کشورهای عضو را بر عهده داشت. در سال ۱۸۸۶ کنوانسیون برن برای حمایت از آثار ادبی و هنری یا همان «کپی رایت» وارد صحنه بین‌المللی شد. هدف این کنوانسیون، کمک به مردم کشورهای عضو بود تا بتوانند از حمایت بین‌المللی در مورد آثار زیر بهره‌مند شوند:

- ۱- رمان، داستان کوتاه، شعر، نمایشنامه
- ۲- ترانه‌ها، اپراها، موزیکال‌ها، سونات‌ها و ...
- ۳- تابلوهای نقاشی، مجسمه‌ها و آثار معماری.

کنوانسیون برن نیز مانند کنوانسیون پاریس، یک دفتر بین‌المللی برای انجام امور اداری تأسیس کرد. در سال ۱۸۹۳ این دو دفتر با یکدیگر ادغام شدند و سازمان بین‌المللی با نام «دفتر بین‌المللی متحد حمایت از مالکان معنوی» را تشکیل دادند. این سازمان کوچک که مرکز آن در برن سوئیس بود، در آغاز فقط ۷ عضو داشت. اما هم اکنون حدود ۱۷۹ عضو داشته و با توسعه تکنولوژی‌های جدید ارتباطی در حال گسترش است.

همانطور که پیش‌تر نیز گفته شد این سازمان در سال ۱۹۷۰ تأسیس شد و در سال ۱۹۷۴ به عنوان یکی از آژانس‌های تخصصی سازمان ملل متحد درآمد. اهداف این سازمان در چارچوب ارتقای حمایت از دارایی فکری در سراسر دنیا با همکاری میان ۱۷۸ کشور عضو و تضمین همکاری اجرایی و اداری بین اتحادیه‌های تأسیس یافته به منظور تأمین حمایت در زمینه دارایی فکری می‌باشد.

سازمان جهانی مالکان معنوی در حال حاضر ۱۷۹ عضو دارد که آخرین عضو آن دولت جمهوری اسلامی ایران است.



هر چند که سنگ بنای فعالیت‌ها و معاهدات WIPO، کنوانسیون‌های پاریس و برن هستند. ولی کنوانسیون‌هایی که بعد از آنها بوجود آمدند، فعالیت این سازمان جهانی را گسترده‌تر و عمیق‌تر کرده‌اند به نحوی که تکنولوژی جدید را نیز در برمی‌گیرند. این سازمان با هماهنگ‌سازی و تسهیل مراحل ثبتی، نقش فزاینده‌ای در ایجاد روش‌های کاربردی مالکان معنوی در سطح ملی و منطقه‌ای ایفا می‌کند. برای مثال معاهده قانون ثبت علائم تجاری سال ۱۹۹۴ اطلاعاتی که ابداعات یک کشور عضو باید ارائه دهند و همچنین مراحل را که باید طی کنند تا بتوانند علائم تجاری خود را در سایر کشورهای عضو به ثبت برسانند تعیین می‌کند.

مسئله مهم این است که پس از الحاق سازمان تجارت جهانی و WIPO موضوع عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی WTO بحث انگیز شده است. تقاضای عضویت ایران تا کنون ۶ بار و اغلب از سوی آمریکا رد شده است که این موضوع می‌تواند اثرات سویی در آینده روابط ایران با WIPO ایفا کند.

تاریخچه حقوق مالکیت فکری در

ایران

الف) مالکیت صنعتی

تا پیش از سال ۱۳۰۴ قانونی برای حمایت از ثبت علائم تجاری در ایران وجود نداشت. در این سال قانون «علائم صنعتی و تجاری» به تصویب رسید و از سال ۱۳۰۵ به اجرا درآمد و اداره ثبت علائم زیر نظر وزارت تجارت، فلاح و فواید عامه شروع به کار کرد و از آن تاریخ، علائم پس از ثبت در مجله فلاح از اول شهریورماه ۱۳۰۷ به ترتیب شماره، ثبت و درج و منتشر گردید.

در سال ۱۳۱۰ قانون ثبت علائم و اختراعات با ۳ فصل و ۵۱ ماده به تصویب رسید. فصل اول این قانون به ثبت علائم تجاری، فصل دوم به ثبت اختراعات و فصل سوم به مقررات مشترک اختصاص دارد. طرح آیین‌نامه نصب و ثبت اجباری علائم صنعتی روی بعضی اجناس دارویی، خوراکی و آرایشی نیز در سال ۱۳۲۸ تصویب شد.

علاوه بر این دولت ایران، قانون اجازه الحاق به اتحادیه عمومی بین‌المللی معروف به قرارداد پاریس مربوط به حمایت مالکان صنعتی تجدید نظر شده در سال ۱۹۵۸ میلادی در لیبون را در ۱۰ اسفند ماه سال ۱۳۳۷ شمس تصویب کرد.

در حال حاضر اداره ثبت شرکت‌ها مرکب از دو اداره ثبت؛ یکی، متکفل امر ثبت موسسات غیر تجاری و شرکت‌های داخلی و خارجی، دیگری مسئولیت ثبت علائم تجاری و اختراعات اعم از داخلی و خارجی در سطح کشور را بر عهده دارد.

قوانین مربوط به حمایت

مالکیت صنعتی و ادبی و هنری

که در اصطلاح بین‌الملل

به مالکیت فکری مشهور است

از سال ۱۳۰۴ به تدریج

در قوانین ایران شناخته شد

و مورد حمایت قرار گرفت

و در دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ با

مقتضیات زمان اصلاح و تکمیل شد

از میان کنوانسیون‌هایی که در چارچوب سازمان جهانی مالکان معنوی انعقاد یافته و یا مدیریت می‌شوند، چهار کنوانسیون بنیادین وجود دارد که بطور اساسی نظام حقوقی حاکم بر مالکیت‌های فکری را در بر می‌گیرد؛ ۱- کنوانسیون برن ۲- کنوانسیون رم ۳- کنوانسیون پاریس ۴- معاهده واشنگتن

در سال ۱۹۹۶ موافقت‌نامه همکاری WIPO با سازمان تجارت جهانی، سبب شد که نقش آن بیش از پیش مورد توجه قرار گیرد. مراجع مهم تصمیم‌گیرنده این سازمان، مجمع عمومی، کنوانسیون، کمیته هماهنگی و دفتر بین‌المللی است. تعداد معاهدات بین‌المللی این سازمان، ۲۲ معاهده است که ۱۶ معاهده در مورد مالکان صنعتی و ۶ معاهده در مورد کپی رایب است.

بخش بنیادین فعالیت‌های WIPO در ترویج حمایت از مالکان معنوی، ایجاد موازین و استانداردهای بین‌المللی است.

مطابق ماده ۲۶ قانون ثبت علایم و اختراعات مصوب ۱۳۱۰ هر نوع اکتشاف یا اختراع جدید در حوزه‌های صنعتی و کشاورزی به کاشف یا مخترع آن حق انحصاری می‌دهد و طبق ماده ۲۷ نیز هر کس مدعی ابداع محصول جدید صنعتی باشد یا اینکه وسیله جدیدی را کشف کرده است، می‌تواند تقاضای ثبت اختراع کند.

ب) مالکیت ادبی و هنری

در قانون مجازات مصوب سال ۱۳۰۴ ایران، مواد ۲۱۳ مکرر و مواد ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۴۷، ۲۴۸ از فصل یازدهم به بحث دسیسه و تقلب در کسب و تجارت مساله حقوق مولفان و مصنفان و تخلفات چاپ و فروش آثار قابل نشر اختصاص یافت.

متعاقباً در فاصله سال‌های ۱۳۳۴ تا ۱۳۴۳ طرح‌ها و لایحه‌های متعددی تقدیم مجلس شد که هر یک به دلیل نواقص موجود مسکوت ماند تا اینکه در سال ۱۳۴۶ وزارت فرهنگ و هنر وقت، لایحه حمایت حقوق مولفان و مصنفان و هنرمندان را تهیه و به مجلس ملی ارایه کرد که همان لایحه در تاریخ ۱۱ دی ماه ۱۳۴۸ به تصویب مجلس شورای ملی رسید.

قانون حمایت حقوق مولفان و مصنفان و هنرمندان از هر جهت جدید و مترقی بود و علاوه بر حمایت آثار ادبی، برای نخستین بار از آثار هنری هم حمایت می‌کرد. ولی آزادی ترجمه‌ی آثار خارجی، طبق ماده ۲۲ این قانون، حقوق مادی پدیدآورنده زمانی از حمایت این قانون برخوردار می‌شد که اثر وی برای نخستین بار در ایران چاپ یا پخش یا اجرا می‌شد یعنی قبلاً در هیچ کشوری چاپ یا نشر یا پخش یا اجرا نمی‌شد.

در ۶ دی ماه سال ۱۳۵۲ قانون دیگری در تکمیل قانون سابق حقوق مولفان و مصنفان و هنرمندان با عنوان «قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی» به تصویب رسید. مطابق مقررات این قانون، تکثیر کتب و نشریات به همان زبان و شکلی که چاپ شده است، به قصد فروش یا بهره‌برداری مادی از طریق چاپ افست یا عکس برداری یا طرق مشابه بدون اجازه صاحب حق، ممنوع است.

این قانون حاوی ۱۲ ماده و یک تبصره است. ماده ۲ و ۳ این قانون، تکثیر کتب و نشریات به همان زبان و شکل چاپ شده و نسخه‌برداری، ضبط یا تکثیر آثار صوتی را به قصد بهره‌برداری مادی ممنوع ساخت و ضمن پای‌بندی به تمامی مواد قانون حمایت حقوق مولفان و مصنفان و هنرمندان، در مورد تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی بیگانگان، مطابق ماده ۶ حمایت‌های خود را منوط به شرط وجود عهدنامه، معامله متقابل دانست.

خلاصه کلام آنکه قوانین مربوط به حمایت مالکیت صنعتی و ادبی و هنری که در اصطلاح بین‌المللی به مالکیت فکری مشهور است از سال ۱۳۰۴ به تدریج در قوانین ایران شناخته شد و مورد حمایت قرار گرفت و در دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ با مقتضیات زمان اصلاح و تکمیل شد. تهیه و تنظیم قوانین حقوق مالکیت فکری دو عامل اصلی دارد که یکی تشویق پدیدآورندگان و دیگری

حمایت از آثار آنان است که چنین نقش مهمی را قراردادهای بین‌المللی و قوانین داخلی حمایت حقوق مالکان فکری بر عهده دارد.

در قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم افزارهای رایانه‌ای نیز سرانجام در ۱۰ دی ماه سال ۱۳۷۹ توسط مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید که به موجب این قانون، حقوق مادی پدیدآورندگان نرم افزارهای رایانه‌ای برای مدت ۳۰ سال حمایت می‌شوند.

ضرورت‌ها و مبانی توجیهی

مالکان فکری بعنوان یکی از ارکان مهم تمدن به اندازه‌ای حایز اهمیت است که تمام ملل دنیا علاوه بر قوانین داخلی خود به منظور حمایت از آن، در سطح بین‌المللی قراردادهای متعددی

کشور ایران درحالی از مزایا و فواید

مالکیت فکری محروم مانده است که

جوامع توسعه یافته از این رهگذر، نتایج

بسیار مثبت و امیدوار کننده‌ای عاید

پدیدآورندگان آثار فکری خود کرده‌اند. به

تعبیر دیگر، امروزه تولید کنندگان اندیشه

در جهان، به محصولات فکری خود صرفاً

نه به عنوان یک فعالیت فکری بلکه از منظر

یک فرایند سودآور اقتصادی نگاه می‌کنند.

بنابراین، جا دارد مسئولان کشور ما نیز

تدابیری برای این نارسایی نظام اقتصادی

کشور بیندیشند. بخصوص اینکه نارسایی

اقتصادی بطور مستقیم در پیشرفت‌های

فکری و معنوی جامعه ما اثرگذار است

را امضا کرده و به مرحله اجرا درآورده‌اند. اساس مالکیت فکری بر دو امر است؛ یکی تشویق پدیدآورنده و دیگری حمایت از آثار او، تا با خیال راحت آثار بزرگتر و بهتری عرضه کند و جامعه نیز به سهم خود با اطمینان به اصالت آن، از آثار مالکان فکری بهره‌مند شود.

اکثر کشورهای صنعتی دارای سیستم‌های حمایتی قوی و کارآمد در رابطه با حمایت از حقوق مالکان صنعتی هستند که قدمت آنها به چند قرن می‌رسد. با وجود این شمار زیادی از کشورهای جدید بویژه کشورهای در حال توسعه در صدد تحول در قوانین مربوط به حقوق مالکیت فکری هستند. با توجه به اهمیت حمایت از مالکیت فکری که تأثیر مهمی در کلیه مراحل پیشرفت بشر دارد، ضروری است که موضوع مالکیت فکری بطور



است.

بر همین مبنا ضروری است امنیت سرمایه گذاران فکری تامین شود و شرایطی در جامعه فراهم شود تا صاحبان اندیشه، با آرامش خاطر به طرح نظرات خود مبادرت ورزند. بی تردید فراهم شدن امنیت نسبی در خصوص خلاقیت‌های فکری، آثار بسیار مهم اقتصادی و فرهنگی به همراه خواهد داشت.

مبانی قانونی مالکیت فکری

۱- قانون ثبت علائم و اختراعات (۱۳۱۰)
 ۲- طرح آیین نامه نصب و ثبت اجباری علائم صنعتی بر روی بعضی از اجناس دارویی و خوراکی و آرایشی (۱۳۲۸)

۳- آیین نامه اصلاحی اجرای قانون ثبت علائم تجاری و اختراعات (۱۳۳۷)

۴- قانون حمایت حقوق مولفان و مصنفان و هنرمندان (۱۳۴۸)
 ۵- آیین نامه اجرایی قانون فوق الذکر (۱۳۵۰) و اصلاحیه آن (۱۳۷۹)

۶- قانون ترجمه و تکثیر کتب، نشریات و آثار صوتی (۱۳۵۲)
 ۷- آیین نامه نحوه ثبت و انتشار کتاب، رساله و سایر نشریات (۱۳۵۶)

۸- قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم افزارهای رایانه‌ای (۱۳۷۹)

کنوانسیون‌ها و موافقت‌نامه‌های بین‌المللی که به وضع مقررات و بررسی تعهدات بین‌المللی در مورد حمایت از این حقوق می‌پردازند، از این قرارند:

۱- کنوانسیون پاریس (حمایت از مالکان صنعتی مصوب سال ۱۸۸۳)

۲- کنوانسیون برن (حمایت از آثار ادبی و هنری مصوب سال ۱۸۸۶)

۳- موافقتنامه مادرید (ثبت بین‌المللی علائم مصوب سال ۱۸۹۱)

۴- موافقتنامه لاهه (تودیع بین‌المللی طرح‌های صنعتی مصوب سال ۱۹۲۵)

۵- موافقتنامه نیس (طبقه‌بندی بین‌المللی کالاها و خدمات برای ثبت علائم مصوب سال ۱۹۵۷)

۶- موافقتنامه لیسبون (حمایت از نشانه‌های جغرافیایی و ثبت بین‌المللی آنها مصوب سال ۱۹۵۸)

۷- کنوانسیون رم (حمایت از اجرا کنندگان، تولید کنندگان آثار صوتی و سازمان‌های پخش صوت و تصویر مصوب سال ۱۹۶۱)

۸- معاهده همکاری در مورد پاتنت مصوب سال ۱۹۷۰

۹- سازمان جهانی مالکان معنوی

World Intellectual Property Organization (WIPO)

ادامه دارد

مستمر روشن و نقش آن در توسعه‌ی اجتماعی، فرهنگی، تکنولوژی و اقتصادی تعیین شود تا از طرف صاحبان خرد و صنعت، بازرگانان و عموم مردم بهتر درک شود.

با توجه به وضعیت نظام مالکیت فکری به عنوان یکی از مسایل زیربنایی سیاست نوین اقتصادی و نقش آن برای توسعه پایدار کشورهای در حال توسعه، باید اذعان داشت فهم فایده‌های حقوقی و اقتصادی نظام مالکیت فکری پیش شرطی برای درک افزایش و اهمیت آن در راهبردهای ملی در جهت تقویت رقابت و تسریع توسعه‌ی اقتصادی - اجتماعی است. از آنجا که مالکیت فکری از تلاش‌های خلاق اندیشه‌های انسان حاصل می‌شود، باید در ترویج و تشویق فعالیت‌های ابتکاری و نوآوری به هرگونه تلاش ممکن دست یازید. حمایت موثر از مالکیت فکری از طریق ایجاد، استفاده و تقویت حقوق قانونی، انگیزه لازم در جهت خلاقیت تکنولوژی و علمی را فراهم می‌آورد، پخش و استفاده از دانش جدید فنی را تسهیل می‌نماید و محیط مناسبی را برای مبادله‌ی منظم آن در بازار بوجود می‌آورد.

به بیان دیگر ارتقای فعالیت‌های ابتکاری و نوآوری در سطح ملی، اساس و شالوده صنایع ملی و پیشرفت اقتصادی بوده و موجب بهبود آن می‌شود. حمایت کافی و موثر از حقوق مالکیت فکری پیش شرط اساس است. نوآوری در تکنولوژی با سرعت پیش می‌رود و اعتماد به این نظام انگیزه نیرومندی برای اینگونه نوآوری‌هاست. از طرف دیگر عامل موثری در تصمیم‌گیری‌های سرمایه‌گذاری است.

کشور ایران در حالی از مزایا و فواید مالکیت فکری محروم مانده است که جوامع توسعه یافته از این رهگذر، نتایج بسیار مثبت و امیدوار کننده‌ای عاید پدیدآورندگان آثار فکری خود کرده‌اند.

به تعبیر دیگر، امروزه تولید کنندگان اندیشه در جهان، به محصولات فکری خود صرفاً نه به عنوان یک فعالیت فکری بلکه از منظر یک فرایند سودآور اقتصادی نگاه می‌کنند. بنابراین، جا دارد مسئولان کشور ما نیز تدابیری برای این نارسایی نظام اقتصادی کشور پیدا کنند. بخصوص اینکه نارسایی اقتصادی بطور مستقیم در پیشرفت‌های فکری و معنوی جامعه ما اثرگذار